

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:**مقدمات؛ علم؛ وظایف و اعمال عالمان****بسم الله الرحمن الرحيم****نقد****نویسنده: محمد تقی****تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱**

در کتاب بازگشت به اسلام از سید جمال اسدآبادی یاد کرده‌اند و ایشان را به عنوان شخصی معرفی کرده‌اند که به عنوان یک مصلح به علمای اسلام نامه نوشته، ولی آن‌ها به دلیل تکبر حاضر به شنیدن حرف حساب نبوده‌اند. البته در اینکه برخی از علما دارای تکبر و بخل هستند شکی نیست و در اینکه سید جمال حرف‌های حقی هم مطرح نموده بحثی نیست. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در بعضی منابع، سید جمال الدین مأمور دولت انگلیس و فراماسون و در خدمت منافع انگلیس معرفی شده و در واقع در ظاهری اسلامی و خدایی، در خدمت منافع شیطانی بوده است. همچنین، هویت این شخص مبهم است به طوری که برخی او را اهل همدان و برخی اهل افغانستان می‌دانند.

اسماعیل راین در کتاب مشهور خود فراموش خانه و فراماسونری در ایران می‌نویسد:

«سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی، یکی از فراماسون‌های اولیه ایران است که در ۹ لژ ماسونیک عضویت داشت. او در لژ فراموشخانه ملکم رئیس لژ و ویزیتور بوده است...». همچنین در برخی منابع آمده است که ایشان اهل عمل به فرایض ماه رمضان نبوده و در قاهره کنیاک مصرف نموده و خدا را منکر شده است...!

بررسی**تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱**

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی، در حدود پنج سطر از کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، به مناسبت بحث درباره‌ی «تکبر عالمان»^۱، به سید جمال الدین اشاره کرده و فرموده است:

«چنانکه وقتی سید جمال الدین (د. ۱۳۱۴ق) برای برخی عالمان مسلمان نامه‌هایی نوشت و آنان را به هوشیاری در برابر کافران و ایستادگی در برابر استعمار دعوت کرد، بسیاری از آنان جوابی به او ندادند؛ چراکه خود را به باید‌ها و نبایدها آگاه‌تر از او می‌پنداشتند و شأن خود را فراتر از این می‌دانستند که مردی گمنام و ناشناس، برای آنان تعیین تکلیف کند! حتی میرزا حسن شیرازی (د. ۱۳۱۲ق) که در آغاز، دعوت او را اجابت کرد و به تحریم تنباکو فتوا داد، به زودی از این کار پشیمان شد؛ چراکه پنداشت سید جمال الدین او را فریب داده است!».

در رابطه با این فراز از بیان شریف ایشان، توجّه به نکات زیر ضروری است:

اولاً مکاتبه‌ی سید جمال الدین با «برخی عالمان مسلمان» و دعوت از آنان برای «هوشیاری در برابر کافران و ایستادگی در برابر استعمار»، واقعیت تاریخی مسلم و مشهوری است که اسناد و مدارک آن، در کتب برخی شاگردان او مانند محمد عبده و شاگردان شاگردانش مانند محمد رشید رضا موجود است؛ همچنانکه عدم پاسخگویی برخی از این عالمان به نامه‌های او، مسلم و مشهور است و در کتب تاریخی متعدّدی انعکاس یافته است و طبیعتاً نمی‌توانسته است علتی جز تکبر آنان داشته باشد؛ چراکه این نامه‌ها یا از نظر آنان حق بوده و یا حق نبوده و در هر صورت، پاسخگویی به آن‌ها ضرورت داشته است؛ با توجّه به اینکه یک عالم باید حق را تصدیق کند و ناحق را تکذیب نماید و سکوتش در برابر حق یا ناحق وجهی ندارد؛ مگر تکبری که او را از اعتنا به آن باز می‌دارد. همچنانکه به عنوان یک نمونه‌ی عینی، امروز کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی منصور هاشمی خراسانی، برای بسیاری از عالمان مسلمان فرستاده شده است، ولی بیشتر آنان به سبب تکبر خود، درباره‌ی آن سکوت کرده‌اند؛ چراکه اظهار نظر درباره‌ی آن را ورود به مسائل بی‌اهمیت و منافی با بزرگی خود می‌پندارند و ترجیح می‌دهند که سفهاء کوچه و بازار درباره‌ی آن اظهار نظر کنند تا آنان!

ثانیاً حضرت منصور هاشمی خراسانی در هیچ جای عبارات خود، درباره‌ی شخصیت سید جمال الدین قضاوتی نکرده، بل تنها درباره‌ی یک عمل خاص او که مکاتبه با «برخی عالمان مسلمان» و دعوت از آنان برای «هوشیاری در برابر کافران و ایستادگی در برابر استعمار» بوده، قضاوت فرموده است. بل حق آن است که درباره‌ی این عمل خاص نیز تا جایی که به سید جمال الدین مربوط بوده، قضاوتی نفرموده و قضاوت او ناظر به «برخی عالمان مسلمان» است؛ به این معنا که «برخی عالمان مسلمان» از روی تکبر به نامه‌های سید جمال الدین اعتنایی نکرده‌اند و این قطع نظر از آنکه سید جمال الدین درست می‌گفته یا درست نمی‌گفته، کار شایسته‌ای نبوده است. همچنانکه بی‌اعتنایی آنان به کتاب منصور هاشمی خراسانی نیز

قطع نظر از اینکه با آن موافق یا مخالف هستند، وجهی ندارد و تنها از تکبر آنان نشأت می‌گیرد؛ چراکه اگر با آن موافق هستند، باید موافقت خود را اظهار کنند و اگر با آن مخالف هستند، باید مخالفت خود را اظهار کنند و در هر صورت، سکوت آنان درباره‌ی آن بی‌معناست. به هر حال، منصور هاشمی خراسانی، تا حدی از قضاوت درباره‌ی سید جمال الدین کراهت داشته و پرهیز نموده که حتی نام او را به تنهایی و بدون پسوند «افغانی» یا «اسدآبادی» ذکر فرموده است تا در نزاع جاهلان پیرامون ملیت او ورود نکرده باشد!

ثالثاً اگر «در بعضی منابع سید جمال الدین مأمور دولت انگلیس و فراماسون و در خدمت منافع انگلیس معرفی شده که در ظاهری اسلامی و خدایی در خدمت منافع شیطانی بوده است»، در بعضی منابع دیگر عالمی مسلمان و آزاداندیش معرفی شده که دغدغه‌ای جز خدمت به اسلام و نجات مسلمانان از توطئه‌ی استعمار نداشته و نقش مؤثری در شکل‌گیری و گسترش جریان‌های اسلامی معتدل در جهان عرب ایفا کرده است و با این وصف، دلیلی برای ترجیح منابع نخست بر منابع دوم نیست؛ بل حق آن است که منابع دوم بر منابع نخست رجحان دارند؛ چراکه اولاً مسلمان بودن این مرد با توجه به سخنان باقی مانده از او و دعوت آشکاری که به سوی اسلام و قرآن داشته، واضح است؛ ثانیاً اصل درباره‌ی هر مسلمانی برائت و صحت عمل اوست تا آن‌گاه که خلاف آن با طرق معتبر عقلی و شرعی ثابت شود و با این وصف، سوء ظن درباره‌ی این مرد جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید؛ چراکه برخی گمان‌ها گناهند»؛ خصوصاً با لحاظ اینکه مردان منتقد و اصلاح‌طلبی مانند او، عادتاً با تهمت‌های فراوانی از جانب دشمنان خود مواجه می‌شوند و افترا بر آنان بسیار رایج و معمول است؛ چنانکه امروز دشمنان منصور هاشمی خراسانی، بهتان‌های فراوانی بر او می‌زنند و ادعاهای گوناگونی درباره‌ی او مطرح می‌کنند، در حالی که هیچ یک را بنیادی بر واقعیت نیست و همگی از روی عداوت و کینه است.

رابعاً کسانی که سید جمال الدین را به داشتن روابط سری با دولت انگلیس متهم می‌کنند، غالباً بیش از او شناخته شده و مورد اعتماد نیستند؛ خصوصاً با لحاظ اینکه ادعا می‌کنند به اطلاعات محرمانه‌ای دسترسی دارند که با اصل و ظاهر مغایر است و معمولاً کسی به آن‌ها دسترسی پیدا نمی‌کند، مگر اینکه خود رابطه‌ای سری با دولت انگلیس یا دولت دیگری مانند آن داشته باشد!

خامساً ورود سید جمال الدین به سازمان‌های مخفی، در صورتی که واقعیت داشته باشد نیز

معلوم نیست که با چه نیتی بوده و ممکن است که با انگیزه‌ی نفوذ در آن‌ها به منظور آشنایی با افکار آن‌ها و ضربه زدن به آن‌ها بوده باشد.

حاصل آنکه از یک سو حضرت منصور هاشمی خراسانی هیچ قضاوت مشخصی درباره‌ی شخصیت سید جمال الدین نداشته است تا مورد مناقشه و نقد قرار گیرد و از سوی دیگر، ظاهر حال سید جمال الدین نیکو بوده و اصل عقلی و شرعی درباره‌ی او برائت است و هیچ دلیل قابل قبولی بر کفر و فسق و جاسوسی او موجود نیست و خداوند به حقایق امور آگاه‌تر است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
مجلس خبری بزرگوار



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظ الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.